

من سریال های معروف تفنگ سرپر و پشت کوه های بلند آقای امرالله احمد جو را بازی کرده ام و کارهای آقای اکبر خواجهویی از جمله هشت بهشت را بازی کرده ام و سایر سریال هایم اگر چه خیلی کارم خوبی نبوده اما بی آبرو هم نبوده و هنوز می شود، دید. اما من با تئاتر در سال های ۶۰ به بعد تا حدی بین مردم شناخته شدم و در سال ۷۰ با بازی در سریال ها که بیشتر با سریال گرفتار که سر فصلی برای کمدی بعد انقلاب بود در شبکه یک سیما معروف و شناخته شدم



من از وقتی کار هنری را شروع کردم، متوجه شدم نمایش های من بسیار با استقبال مردم مواجه می شود که البته شاید بی شباهت به سبک کارهای مرحوم ارحام صدر هم نبوده، هر چند من هم روحیه در بین مردم بودن و کارهای مردم پسند و خیریه ای زیادی را دنبال می کنم.

من سریال های معروف تفنگ سرپر و پشت کوه های بلند آقای امر... احمد جو را بازی کرده ام و کارهای آقای اکبر خواجهویی از جمله هشت بهشت را بازی کرده ام و سایر سریال هایم گرچه خیلی خوب نبوده اما بی آبرو هم نبوده و هنوز می شود دید. اما من با تئاتر در سال های ۶۰ به بعد تا حدی بین مردم شناخته شدم و در سال های بازی در سریال ها که بیشتر با سریال گرفتار که سر فصلی برای کمدی بعد انقلاب بود در شبکه یک سیما معروف و شناخته شدم.

درجه سالی بود؟

پخش این سریال اوایل سال ۷۰ بود اما از آنجا که عدد ۹ در زندگی من نقش مهمی دارد، یک دیالوگی در این سریال دارم که می گفتم در ساعت ۶۹/۹۹، خدا بعد ۹ سال ۹ تا بچه به ما داد (بالهجه اصفهانی) که این تاریخ سریال است و بعد از آن این جمله به دهانم افتاد و هنوز هم این واژه را به کار می برم. هر چند شخصیت های مختلفی را بازی کرده ام اما آن زمان شخصیت گرفتار خیلی بین مردم مشهور شد و حتی به خاطر دارم عروسک آقای گرفتار با ۹ تا بچه را در تهران ساخته بودند و می فروختند و آن زمان که شبکه یک این سریال را پخش کرد، به خاطر استقبال از این سریال مردم زمان پخش در خانه بودند و همین استقبال باعث شد فصل دوم آن هم ساخته شود.

ظاهر گرفتار ۳ هم راه راست؟

بله ساخت این سریال تصویب شده که روایت ۲۲ سالگی بچه های آقای گرفتار است و اکنون در مرحله پیش تولید است.

ولی اساسا خیلی زود فهمیدم بازیگری چندان برای من فایده ندارد هر قدر هم که کار زیاد داشته باشم اما ارادتم به مردم باعث شد جایگاهم را بین مردم با کار خیر حفظ کنم.

چند سالی می شود که مردم چهره حسن اکلیلی را در برنامه های خیریه ای و خیرانه می بینند، کمی در مورد این موضوع توضیح بدهید چطور به این سمت کشیده شدید؟

سه سالی بود در یک برنامه ای با عنوان «یک شهر ضیافت» خدمت مردم اصفهان بودم و شاید باورتان نشود از آن زمان تاکنون ماهیروز درگیر آزادی زندانیان هستیم و اگر کسی حکم اعدام داشته باشد، با خانواده شاکی صحبت می کنیم که رضایت بگیریم. در واقع بیشتر به سمت کارهای خیریه ای و خیریه مردمی و خیریه روی آورده ام.

رابطه شما با فضای مجازی چگونه است و چقدر این فضا به معرفی بیشتر شما کمک کرده است؟

من اوایل خیلی از این فضای مجازی حذر می کردم اما بعدا چند تا کار ویژه برای تشویق مردم به خرید تابلت دانش آموزی یا برای اهدای خون و کمک به آزادی زندانیان در فضای مجازی انجام دادم که خیلی نتیجه بخش بود. البته صفحه شخصی هم دارم که چون خودم زیاد فرصت نمی کنم، آدمین دارد. از بس که در این فضا کارهای بی ارزش دیده ام ترجیح می دهم خودم به درستی از آن استفاده کنم.

می شود و آنها را بد و خسیس می دانند؛ منزجر و بسیار ناراحت می شوم به طوری که دلم می خواهد با دوستان و عزیزانی که بعضا در مصاحبه ها برای با نمک بودن چنین صحبتی می کنند مناظره کنم و بگویم اصفهان شهر عجیبی است و از حرمت شهدا، هنرمندان و بزرگان آن خجالت بکشید و نگاه درستی به اصفهان داشته باشید. اصفهانی ها از قدیم خودشان بامزه و پرنشاط بوده اند و بنیانگذاری کمدی کشور از قدیم در این شهر و از دوران صفویان با کریم شیرهای شروع شده و بعدها یوزباشی، صمصام و خیلی از سخنوران بامزه داشته ایم که در نزد مردم کوچه بازار بانمک و طنز بوده اند لذا نیاز به نمک سایر دوستان از جای دیگری نداریم!

مردم شما را به عنوان یک بازیگر شاخص اصفهانی می شناسند و شاید یادآور ارحام صدر در تئاتر، چقدر از سبک ایشان تقلید کرده اید؟

من در گذشته نمایش های مرحوم استاد ارحام صدر و مرحوم فرهنگم را دیده بوده و به سایر هنرمندان پیشکسوت ارادت و خدمتشان رسیده بودم اما یک لطفی را خدا به من کرده که شبیه اساتید باشم ولی در ابتدایی ترین گام های اجرایی و نمایش این طور به نظر می رسد که از استاد ارحام تقلید یا تحت تاثیر یا حتی ادای ایشان را در می آورم ولی این طوری نبوده است.

شاید تن صدایتان هم بی تاثیر نبوده!

بله، یک نکته جالب بگویم! پدر من در سالمندی حدود ۳۰ سال پیش فوت کردند و تن صدای پدر بسیار شبیه مرحوم ارحام صدر بود در حالی که پدر زیاد با این هنرمند آشنایی نداشت اما بنده از لحاظ قد و قواره، تن صدا و آناطومی صورت و لحن و لهجه ناخواسته یادآور استاد ارحام صدر هستم و هر جا که می روم و من را می بینند، یادای از ایشان می کنند که این اسباب افتخاری برای من است که یادآور مرد بزرگی برای مردم هستم.

البته ناگفته نماند؛ شخصیت ایشان روی من هم بی تاثیر نبوده، هر چند علاقه وافری به هنرمندان موسیقی و حشر و نشر با بزرگان موسیقی داشته ام اما در هنر نمایش به هر حال ما را به نوعی ادامه دهنده راه ایشان می دانند.

وای کاش این هنرمند زنده بود و نسل جوانی را پرورش می داد و این مکتب کمدی انتقادی که مختص اصفهان است را حفظ و ثبت می کرد و مسؤولان را هم موظف به ایجاد بستر برای نسل جوان می کردند.

مردم از چه زمانی شما را به عنوان یک چهره هنری معروف شناختند؟



مردم اجرا کنیم. در ارتباط با فیلم هم اگر کاری در شان باشد، انجام می دهم و به هر قیمتی حاضر به کار نیستم.

کارهای هنری نباید با کج گفتاری و کج فهمی، قومی را به مسخره بگیرد آن هم به بهانه این که مردم را دو ساعت بخندانیم و نهایتا خروجی نداشته باشد. به نظرم با کرونا فصل جدیدی برای مردم باز شد که مثلا ما چقدر برای افرادی مثل پرستاران کار کرده ایم در حالی که هزار نفر از کادر درمانی و پرستاری در کشور کرونا گرفتند که این خودش زمینه جدیدی از فعالیت خیریه را باز کرد و من در این زمینه احساس و وظیفه می کنم و خدا لطف کرد. مثلا نمونه آن اهدای ۷۰ تابلت با کمک خیران و خرید لوازم تحریر و پرداخت هزینه شهریه یا حتی هزینه اینترنت خیلی از این دانش آموزان بوده که با همکاری خیریه ها در این زمینه به عنوان یک چهره فرهنگی وارد شدم و حمایت کرده ام.

بیت های هنری هم تعطیل

رمانی و بهداشت سلامت می شود و بیشتر هم کار می هم هست بازنشسته ولی برای همه ارگان ها کار پیاده طلب نیستم و دغدغه ستیم و تا الان از زندگیمان

ن که در شان باشد. مثلا ما را بگذرانند که کاری شایسته

که من بچه اصفهان هستم و اگر با ظرافت اصفهانی حرف می زدم در کلاس آشوبی به پا می شد که با نمک ریختن دوستان کمی سمت و سو پیدا می کرد. از طرفی من هم به شدت روی لهجه اصفهانی حساس بوده و هستم و نمی خواستم شرافت انسانی و اصفهانی از بین برود.

من از چوک هایی هم که در مورد اصفهانی ها ساخته

سال ۱۳۷۷، شما فرشته اید سال ۱۳۶۸، سلام سرزمین من ۱۳۶۷ و هوای تازه سال ۱۳۶۵ مهم ترین آنها بوده و تله فیلم های روز پرماجر، بهترین همسایه دنیا، ۲۱ مساله اساسی و دو چرخه باز را هم در کارنامه کاری ام دارم.

شما که تهران بودید چرا برای ادامه فعالیت همان جا نماندید در حالی که اکثر بازیگران اصفهانی برای پیشرفت و دیدن شدن به تهران می روند؟

(یک نفس عمیق) این سؤال خیلی جالبی است. گرچه دوران کودکی ام را در تهران بزرگ شدم اما به اجبار و به دلیل تحصیلات دانشگاهی برادران بزرگترم و درواقع به اجبار خانواده بوده، زیرا آن زمان مثل الان همه شهرها دانشگاه نداشت و گرنه اگر من هم حق انتخاب داشتم، قطعاً اصفهان را انتخاب می کردم و اینجا می ماندم.

کما این که دوران کودکی روزهای تعطیل می آمدم خیابان بوذرجمهری که اکنون پایانه شده و رانندگانی که فریاد می زدند اصفهان - مسجد سید را می شنیدم، زیرا علاقه زیادی به لهجه اصفهانی داشتم.

جالب است با این که شما آموزش ابتدایی را در تهران گذرانید ولی لهجه اصفهانی شما بسیار قوی است و انگار سکونت و تحصیلات تهران در لهجه شما اثر نداشته آیا این مساله خود خواسته بوده؟

آن زمان در جامعه تهران، زیاد کسی متوجه نمی شد